

متأسفانه مشاهده میشود قطع نظر از اینکه مجموعه مزبور آنطور که منظور نظر بوده مورد توجه واقع نشده روز بروز بعلمت عدم علاقه آقایان قضاة و نویسندگان از ارزش معنوی مجموعه مزبور کاسته شده است در صورتیکه گذشته از اینکه مجموعه حقوقی نشریه رسمی وزارت دادگستری است و نشریه رسمی هر وزارتخانه معرف میزان علاقه و توجه کارمندان با فضل و صاحب قلم آن بمبانی علمی است اساساً مجموعه مزبور در ایران در نوع خود منحصر بفرد بوده و معرف تشکیلات قضائی کشور در خارج است از این جهت وزارت دادگستری در نظر دارد در وضع مجموعه مزبور تجدید نظر کالی بعمل آورده نشریه‌ای آبرومند که از حیث مقالات و مندرجات متناسب با شیون قضائی کشور باشد تهیه و برای استفاده در دسترس عموم بگذارد از اینرو کلیه آقایان قضاة و وکلاء دادگستری و حقوق دانان و مترجمین زبان خارجه که میتوانند مقالات حقوقی مفیدی را ترجمه نمایند دعوت و تقاضی میشود که در این راه با وزارت دادگستری اشتراک مساعی و مساعدت نمایند البته تا آنجا که بودجه وزارتخانه نیز اجازه دهد کمک‌های مادی نیز بنویسندگان مقالات طبق تشخیص هیئت تحریریه خواهد گردید.

وزیر دادگستری

## روح حقوق خانوادگی

روح حقوق خانوادگی در کشورهای مشرق زمین کاملاً یکسان نیست زیرا ملل مختلفه‌ای که دارای عقاید مذهبی متفاوتند ساکن این کشورها میباشند و آداب

ورسوم مذهبی در اساس خانواده ها تأثیری بسزا دارد و بعلاوه کشور های شرقی در اثر روابط خود با کشور های غربی و اقتباس اصول تمدن جدید کم و بیش تغییراتی در قواعد سابقه خود داده اند و بالنتیجه در این موضوع تا اندازه ای روح غربی و روح شرقی با یکدیگر ممزوج و مخلوط شده است ولی چون میزان اقتباس مزبور این اختلاط و امتزاج در کایه کشور های شرقی یکسان نمیباشد لذا بهتر است که موضوع روح حقوق خانوادگی در هر یک از کشور های شرقی بطور جداگانه مورد مطالعه قرار گیرد.

ما در اینجا فقط راجع بایران صحبت خواهیم کرد در ضمن بمبانی مذهبی امر نیز اشاره میکنیم.

بخت ما برای اطلاع از این وضعیت در اغلب کشور های شرقی مفید خواهد افتاد زیرا در این کشورها احکام فقه اسلام کم یا بیش مجری و متبع میباشد. اصولاً حقوق خانوادگی شامل کایه حقوقی است که بخانواده مربوط میباشد و چون ازدواج و نسب از ارکان تشکیل دهنده خانواده محسوب است حقوق خانوادگی باید در درجه اول از روابط بین زوجین و سپس از روابط آنها با فرزندان و بعد هم از روابط خویشاوندان با یکدیگر بحث کند.

مذات محدود بودن این مقاله از بحث در مورد روح حقوق اولاد صرف نظر و فعلاً بمطالعه در روح حقوق زوجین در ایران اکتفا خواهد شد.

در کشور ایران مذهب رسمی اسلام است ولی اقلیت هایی که مذاهبشان بر سهیت شناخته شده از قبیل زردشتی و مسیحی و کلیهی نیز وجود دارد و چون بموجب قانون رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه این اقلیت ها در امر ازدواج و طلاق تابع آداب و عادات مسلمانه متداوله در مذهب خودشان هستند روح حقوق نزد آنان تابع همان آداب و عادات مختلفه میباشد. مثلاً برای ایرانی مسیحی (ارامنه

منخصوصاً) که معتقد به تعدد زوجات نبوده و اصولاً قائل بطلاق نیز نمیباشند حقوق زوجین با آنچه که نزد کایمیان ایرانی متداول است اختلاف فاحشی دارد ولی این اختلافات اصولی در عمل چندان قابل توجه نیست زیرا روح حقوق زوجین در عین حال که نتیجه معتقدات مذهبی است تابع مقتضیات محیط و احتیاجات مردم نیز میباشد - با سستی روز افزون شرایط زندگی و گرانی طاقت فرسای وسائل معاش شوهر مسلمان هم مانند شوهر ارمنی از داشتن زنان متعدد حتی المقدور خودداری میکند و بعلاوه با وجود اختیارات وسیعی که در طلاق دارد از لحاظ حفظ منافع اولاد و رعایت مصالح عالیله خانواده - مانند مردان ارمنی یا شوهران غربی از طلاق دادن زن خود بدون مطالعه کافی یا بدون علت موجه امتناع دارد.

برای اینکه روح حقوق زوجین در ایران در مورد اکثریت مسلمان آن بصورت روشن تری بیان شود این امر را ضمن مقایسه با روح حقوق زوجین در کشور فرانسه مورد مطالعه قرار داده و ثابت خواهیم نمود که اختلافات واقعی فیما بین کمتر از آنست که از مطالعه ظاهری حقوق این دو کشور ممکن است بنظر برسد - ولی قبل از این مقایسه بیان شده ای از موضوع مهر و طبیعت حقوقی آن در اعصار مختلفه بسیار مفید خواهد بود زیرا مطالعه تاریخی این امر بخوبی میرساند که روح ازدواج در سابق چه بوده و بعداً بتدریج بچه صورتی تلقی شده است. بقول یکی از دانشمندان مرد پول میداد که زن بخرد ولی امروزه زن پول میدهد و مرد را میخرد.

## قسمت اول :

### I

#### تأثیر مهر در روح حقوق زوجین

بدون تردید سابقاً ازدواج بصورت معامله خرید و فروش انجام میگرفته و

مهر عبارت بوده از پول یا مالی که داماد بولی دختر میداده و ویرا خریداری میکرده است در چنین دوره‌ای روح حقوق زوجین بیشتر با مقررات مربوط به بیع و شری تناسب داشته است خریداری نمودن زن امری بوده که در قدیم الایام در خیلی از کشورها معمول بوده مثلاً بین ژرمنها دت ماریتال Dot Maritale یا (ارزش زن) وجود داشته که خیلی به مهر نزدیک است منتهی رفته رفته ( ارزش زن ) و مهر تغییرات مختلفی حاصل نموده و وجوه مشابهت فیما بین رو بکمی رفته است بدین معنی که ( ارزش خرید ) معمول به بین ژرمنها در آخرین مرحله تکامل خود عبارت گردید از کمک قبلی شوهر به هزینه‌های خانوادگی ولی مهر در حقوق مدنی ایران بصورت عوض استماع مرد از زن در آمده است.

حال باید دید چگونه مهر که در ابتدا ( ارزش زن ) بوده بصورت امروزی خود در آمده است پس از آن نشان خواهیم داد که قانونگذار ایران چه ارزشی برای مهر قائل است - سپس نمره عملی مهر را مورد مطالعه قرار میدهیم.

۱ - تاریخچه مهر ۲ - طبیعت حقوقی مهر در قانون مدنی ایران ۳ - نمره

رتال جامع علوم انسانی

عملی مهر .

۱ - تاریخچه مهر - اعراب قبل از اسلام برای زن شخصیتی قائل نبودند و حتی او را مورد خرید و فروش قرار میدادند - زن عرب مانند يك قطعه زمین و یا يك رأس حیوان اهلی ارزش مالی داشت و پس از مرگ شوهرش جزء ترکه بورنه وی منتقل میگردد و وراثت نسبت باو دارای همه گونه اختیاری بودند - هر کس که میخواست زنی را بحباله نکاح خود در آورد لازم بود بمالك آن زن مراجعه و مبلغی بنام مهر که در واقع ارزش مالی زن بود تسلیم نماید و چون زن موضوع بیع بود جلب رضایتش در عقد نکاح ضرورتی نداشت و نسبت به مهر پرداختی هم دارای حقی نبود .

قبل از دوره اسلام هم مهر وجود داشت و بهمین نام بین بنی اسرائیل معروف بوده - مهر را داماد نقداً به پدر زن خود می پرداخت .

پس بطور خلاصه میتوان گفت که قبل از اسلام بین تمام اعرابی که از نژاد سامی بودند زناشوئی بمعنای امروز وجود نداشت و روح حقوق زوجین منحصر بحقوق شوهر بود زیرا زن مورد معامله واقع و دارای هیچگونه حقی نبود - مرد فاعل مایشاء و زن مطیع صرف او بود - عبارت صحیحتری باید گفت که ازدواج بمعنای حقیقی کلمه معمول نبوده زیرا روابط بین زن و مرد بیشتر بروابط بین کنیز و آقا شبیه بوده است .

حضرت رسول ص سعی بایغ مبنی فرمود که نظر اعراب را نسبت بازدواج عوض کرده و زنان را دارای شخصیت و ارزش حقوقی نماید لذا مقررات جدیدی وضع نمود تا رفته رفته زن (شخص حقوقی) شده رمورد خرید و فروش واقع نگردد بالنتیجه ولی زن دیگر حق نداشت مثل سابق مهر را برای خودش وصول نماید بلکه خود زن محقق در اخذ آن شد .

محقق در شرایط چنین اظهار عقیده نموده است «زن مالک مهر است و باید آنرا بخود او تأدیه کرد پس هر گاه شوهر قسمتی از مهر را بولی زن بدهد عمل لغوی کرده و زن میتواند تمام مهر را مطالبه نماید» آیا پس از این تغییرات مهر از نظر حقوقی چه عنوانی پیدا کرده و تأثیر آن در روح حقوق زوجین چه بوده برای این امر باید دید نظر فقهای اسلامی چه بوده است .

مستنبط از کتب فقهی اینست که مرد بمنحرف وقوع عقد نکاح مالک بضع زن میگردد - پس در نکاح تمام زن مورد معامله واقع نمیشود بلکه فقط قسمتی از وی که بضع نامیده میشود بمرد منتقل میگردد و عوض این انتقال همانا مهر خواهد بود . بعدها این فکر هم تغییر کرد و مرد را مالک بضع زن ندانسته بلکه برای وی

فقط حق استمتاع قابل شدند و مهر هم بعنوان عوض در مقابل استمتاع مرد بزن تسلیم میشد - بهترین دلیل برای نظر نگارنده اینکه مقرر است هر گاه مردی زن را طلاق دهد در حالتیکه نزدیکی واقع نشده باشد زن فقط مستحق قسمتی از مهر خواهد بود بنابراین روح ازدواج که سابقاً بمعامله خرید و فروش نزدیک بود رفته رفته بعقد انتفاع یا احاره منافع نزدیکتر میشود.

از نظر اصول فقهی هر نزدیکی که از روی اشتباه بین دو نفری که باهم زن و شوهر نیستند واقع شود پرداخت مبالغی را بعنوان مهر ایجاب میکند و بطوری که آقای دکتر امامی در رساله خود متذکر شده اند بعضی از فقها با کمال صراحت مهر را عوض تمتع مرد از زن میدانند پس میتوان گفت که در آخرین مرحله تکامل خود مهر بصورت ارزش مالی تمتعی که مرد از زن خود میبرد درآمد.

قانون مدنی ایران ضمن مواد خود ناظر بهمین عقیده میباشد مراتب ذیلات تحت عنوان (طبیعت حقوق مهر در قانون مدنی) مورد بحث قرار میگیرد.

#### ۴- طبیعت حقوقی مهر در قانون مدنی ایران.

طبیعت حقوقی مهر که بهترین معرف مقصود از نکاح و روح حقوق زوجین میباشد بر حسب مورد فرق میکنند یعنی در نکاح منقطع یک چیز است و در نکاح دائم چیز دیگر.

اگر نکاح منقطع باشد مهر شرط صحت آن خواهد بود و عدم ذکر مهر موجب بطلان عقد میباشد (ماده ۱۹۰۵ قانون مدنی). در اینجا بیفایده نیست که مقایسه بین مهر در نکاح منقطع و «دت» نزد ژرمن ها بشود. در ژرمانی اگر «دت» وجود نداشت نکاح مشروع نبوده و بچه ها ولدالزنا محسوب میشوند - در ایران هم که نکاح منقطع بدون مهر باطل است بچه ها مشروع نخواهند بود - از همه بالاتر اینکه کلمه متعه در حقوق ایران بصورت «متا» (یعنی ارزش خرید) نزد امبارد ها یافت

میشده و شاید هم اصل وریشه این دو کلمه یکی باشد. در هر حال نکاح غیر دائم بدون مهر مثل بیع بدون ثمن تلقی میشود و از اینککه مهر شرط صحت نکاح منقطع است میتوان نتیجه گرفت که از لحاظ تاریخی در بدو امر نکاح منقطع بصورت خریداری زن معمول بوده.

در نکاح دائم بالعکس مهر اختیاری است - اگر در آن ذکری از مهر نشده باشد حق زن نسبت به مهر ساقط نخواهد شد مگر اینککه حرمان وی از مهر تصریح شده باشد.

گرچه طبیعت مهر در نکاح دائم و منقطع یکی نیست ولی در هر دو حال وجود آن جنبه مادی بنکاح میدهد منتهی باید دید از لحاظ قانونی عوض مهر در نکاح چیست - برای روشن شدن امر لازم است در مواد قانون مدنی مطالعه دقیقی بعمل آید. طبق ماده ۱۰۹۲ اگر طلاق قبل از نزدیکی واقع شود زن فقط نصف مهر خود را میتواند مطالبه کند و اگر بیش از نصف دریافت کرده باید مازاد را مسترد دارد.

در صورت بطلان عقد نکاح اعم از دائم و منقطع زن ابداً حق مهر ندارد در صورتیکه نزدیکی بعمل نیامده باشد (ماده ۱۰۹۸) و در صورت و طلی به شبهه اگر زن جاهل بمانع بوده مستحق مهر المثل است (ماده ۱۰۹۷) در نکاح منقطع اگر مدت بذل شود در صورت عدم وقوع نزدیکی زن فقط نصف مهر را مطالبه خواهد کرد (ماده ۱۹۰۷) ماده ۱۱۰۱ هم حق زن را نسبت به تمام مهر مشروط به نزدیکی کرده میگوید اگر نکاح بعاتی فسخ شود زن حق مطالبه مهر نخواهد داشت ولی اگر علت فسخ عنق شوهر باشد زن مستحق نصف مهر خواهد بود.

ارتباطی که - بشرح فوق بین نزدیکی و مهر برقرار شده بنکاح جنبه خاصی میدهد و چنین بنظر میرسد که موضوع اساسی نکاح رضایت زن است بوقوع نزدیکی در قبال گرفتن مالی از مرد.

وجود این رابطه در عین حال هم جنبه مادی بازدواج میدهد و هم جنبه تناسلی. این نکته در ماده ۱۸۰۵ قانون مدنی بنحو روشنتری دیده میشود - ماده نامبرده میگوید (زن میتواند تا مهر باو تسلیم نشده از ایفاء وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند...)

پس از مطالعه مواد مختلفه مربوط به مهر و دقت در احکام آن تعیین طبیعت حقوقی مهر کار مشکلی نیست مهر دیگر مثل سابق قیمت خرید زن نمیباشد زیرا شخصاً خودش ذیحق بدریافت آنست پس قانون مدنی ایران به پیروی از حقوق اسلام نظر (نکاح - بیع) را که بین اعراب پیش از اسلام مورد قبول واقع شده بود دور انداخته است قانونگذار ما اکتفا باین نکرده که مالکیت مهر را برای زن قبول نماید بلکه میگوید اگر زوجین مقرر دارند که در صورت عدم تأدیه مهر در مدت معین نکاح باطل خواهد بود نکاح و مهر صحیح ولی شرط باطل است (ماده ۱۰۸۱) اگر مهر ثمن معامله بود اعلام بطلان چنین شرطی مورد نداشت - پس مهر قیمت خود زن نیست بلکه عوض استمتاع مرد از بضع زن محسوب است .

اگر بخواهیم طبیعت مهر را در قانون مورد توجه قرار دهیم میتوانیم آنرا بزبان فرانسه Récompense matrimoniale یا «اجر زناشویی» بنامیم زیرا قسمتی از مهر عوض اجراء صیغه نکاح یعنی عوض نفس ایجاب و قبول است که در واقع وعده استمتاع باشد و قسمت دیگران عوض ایفاء باین عهد یعنی استمتاع است . ولی در عمل طبیعت مهر تغییر کرده و صورت دیگری بخود گرفته است . در اینجا باید دید عقیده فعلی ایرانیان نسبت بروح نکاح و حقوق زوجین چیست

۳ - فعلاً مهر بچه صورتی درآمده و ثمره عملی آن چه میباشد

بطوریکه دیدیم مهر که در بدو امر عبارت از ارزش خرید زن بوده بعداً عوض تعهد تمتع و اجراء آن شد ولی تکامل تدریجی وضعیت مهر بآنجا منتهی نشده و



مقتضیات زندگی اجتماعی در ایران ایجاب کرد کسه مهر رکن اساسی ثبات روابط زناشویی را تشکیل دهد و بالنتیجه حق طلاق شوهر کاملاً محدود گردد - و ضمناً زن هم در مقابل شوهر دارای حقوقی شده زن و شوهر همسر واقعی یکدیگر محسوب گردند. مهر در واقع يك وجه التزامی شده که منظور از آن تأمین ثبات ازدواجی است که از لحاظ حقوقی غیر ثابت بنظر می‌رسد.

امروزه معمول اینست که شوهر مهر را نقداً نمی‌پردازد بلکه اکتفا بذکر آن در نکاحنامه میشود و فقط در صورت انحلال عقد نکاح گفتگوی پرداخت مهر بمیان می‌آید.

در نکاح دائم زن مهر سنگینی را از شوهرش توقع دارد بحدی که از تمکن وی خارج است و اگر مردی نخواهد مهر سنگینی برای زنش در نظر بگیرد حمل بر این میشود که او شوهر موقتی است و خیال دارد آزادی عمل خود را حفظ کند.

امروزه گفتگوهای مقدماتی نکاح بنحو زیر است - خوبش او ندان زن بخانواده مرد میگوید (آیا مایلید که ازدواج واقعاً دائمی بکنید یا نه ؟ اگر نمیتوانید که ما دختر بشما نمیدهیم و اگر میخواهید پس دلیل ندارد که مهر زیادی برای زن خود قبول نکنید و هر گاه تردید شما از لحاظ اشکال پرداخت چنین مهری باشد صرفاً تمهد پرداخت برای ما کافی است یعنی لازم نیست مهر را نقداً بپردازید بلکه تمهد کنید که اگر زن خود را طلاق دادید آن را فوراً تادیه نمائید روی این زمینه استدلال زن مقبول نظر شوهر واقع و بالنتیجه مهر سنگینی را بعهده میگیرد - علت دیگری که موجب زیاد شدن مهر است موضوع مقتضیات اجتماعی و شرافت خانوادگی است زیرا در جامعه ایرانی زنی که مهر سنگینی دارد اهمیت و ارزش زیادی برای خود قائل است و بهمین جهت هر زنی منتهای جدیت را مینماید تا از این حیث سرآمد اقران باشد - هر گاه با وجود قبول چنین مهری شوهری زن خود را طلاق بدهد پرداخت

مهر حل شده و از طرف زن مورد مطالبه فوری واقع میشود و این مهر هم زندگی مادی زن را تأمین خواهد کرد هم ممکن است به تجدید فراس او کمک کند - در واقع مهر در بیشتر موارد وجه التزامی است برای جبران خسارتی که در اثر طلاق نسبت بزن وارد میشود و هرچه میزان آن بالاتر باشد بدوام روابط زناشویی بیشتر کمک خواهد کرد. در این مرحله از تکامل روح ازدواج با آنچه که سابقاً بوده تفاوت محسوسی حاصل میکند زیرا جامعه متوجه میشود که مقصود واقعی از نکاح خرید و فروش و یا استمتاع نمیباشد بلکه منظور اولی و اساسی توالد و تناسل و تربیت فرزندان است و این امر جز در سایه خانواده ثابت و پایدار انجام پذیر نخواهد بود بهمین جهت زنان و مردان در صدد بر آمدند که بهر طریقی ممکن باشد ثبات روابط خانوادگی را تأمین نمایند و بطوریکه ملاحظه شد برای نیل بدین مقصود عملاً مهر دل اساسی خود را بازی میکنند یعنی همان وجه یا مالی که در ابتداء نشانه بود که زن مورد معامله واقع میشود فقط بدرد استمتاع میخورد و بسهوات قابل مبادله و معاوضه میباشد رفته رفته ضمانت ثبات و بقاء نکاح تلقی گردید و نشان داد که زن همسر مفید و مربی مهربانی است که نباید بدون علت موجه قابل تغییر و تبدیل باشد.

قسمت دوم:

## II

تأثیر مذهب در روح حقوق زوجین

روح ازدواج در حقوق ایران و حقوق فرانسه یکی نیست زیرا قوانین مربوط

باحوال شخصیه در دو کشور از دو مذهب مختلف سرچشمه گرفته است .  
 در حقوق ایران ازدواج قرارداد یا عقدی است که بین زن و مرد یا وکلای آنها منعقد میشود و شرایط اساسی صحت آن تقریباً همانست که در سایر عقود پیش بینی شده بطوریکه میتوان شرایط فسخی نیز ضمن العقد قید نموده بعلاوه تعیین مدت معین برای قرارداد مزبور مانعی ندارد یعنی ازدواج چند روزه و چند ماهه بلا اشکال است در حقوق فرانسه بالعکس عقد نکاح بین زن و مرد شخصاً و با حضور مأمور ثبت احوال منعقد میشود اهمیت مداخله مأمور ثبت احوال در امر نکاح بیش از آنستکه سردفتر رسمی در سایر عقود حائز می باشد مضافاً باینکه عقد نکاح برای همیشه و دائمی است بطوریکه میتوان گفت ازدواج در حقوق فرانسه عقد یا قرارداد عادی نبوده بلکه خیلی بالاتر و مهمتر تلقی شده است اختلاف حقوق ایران و فرانسه در این موضوع با توجه بموارد طلاق روشن تر میگردد .

در قانون ایران مرد هر وقت که بخواهد میتواند زن خود را طلاق دهد ولی قانون فرانسه موارد طلاق دقیقاً پیش بینی شده و جز بحکم قطعی دادگاه طلاق ممکن نیست .

آیا چنین اختلاف بزرگ بین روح قانون ازدواج در دو کشور که یکی غربی و دیگری شرقی است ناشی از چه امری میباشد؟

در بادی امر علت اساسی همانا اختلاف بین مذهب اسلام و مذهب مسیح بنظر میرسد حقوق ایران و حقوق فرانسه مقررات مربوط با این دو مذهب را در قانون مدنی خویش مرعی داشته اند و باینکه در کشور فرانسه مذهب و قانون از یکدیگر مجزی است احکام حضرت عیسی نیز در تدوین مقررات مربوط با ازدواج بی تأثیر نبوده است .

وقتی که در احکام اسلام و احکام مسیح دقیق شویم می بینیم اهمیت زن از لحاظ

این دو مذهب یکسان نبوده است حضرت مسیح تساوی جنسین را قبول کرده ولی قرآن کریم معتقد به تفوق مرد بر زن بوده است - بعقیده حضرت عیسی نکاح يك امر مقدسی است واحد و غیر قابل انحلال و لذا جنبه الهی آن مورد نظر است ولی بعقیده حضرت رسول نکاح عقدی است که با کمال سهولت منحل میشود و لذا جنبه اجتماعی امر مورد توجه است بنابراین نباید تعجب داشت از اینکه در دو مذهب مزبور روح ازدواج با دو نظر مختلف تلقی شده باشد.

هر گاه حضرت رسول ص پیش از پیش جنبه اجتماعی نکاح عنایت فرموده بدین علت بوده که اساساً پیش از حضرت عیسی بحقایق زندگی روزمره توجه داشته است - این اختلاف در نحوه تبلیغ این دو مذهب نیز ملاحظه میشود - موفقیت اسلام بیشتر مرهون مبارزات جدی بوده ولی مسیحیت بیشتر راه مدارا را پیموده است و با زهم بدین جهت است که آن یکی عدالت را در قصاص می بیند و این دیگری گذشت و بخشش را توصیه نموده و حتی میگوید اگر کسی سیلی بی یکطرف صورت شما زد طرف دیگر را هم ارائه دهید.

مقررات مربوط به نکاح نیز در این دو مذهب حاکی از همین اختلاف نظر میباشد - چون حضرت مسیح قبل از هر چیز بمقامات اخروی متوجه بوده اصولاً معتقد بعبادت بوده نه ازدواج و حتی بقاء در حال بکارت در حکم یکنوع عبادت تلقی شده است - بالعکس حضرت رسول ص که بیشتر بزندگی اجتماعی و حفظ نظم در جامعه علاقمند بوده امر ازدواج را تشویق فرموده و حتی در مواردی عدوبت را بزرگترین گناه دانسته و از همین نظر حضرت چندین زن را بحباله نکاح خود در آوردند.

گرچه مراتب بالا اختلاف اساسی بین حقوق اسلامی و حقوق مسیحی را بخوبی نشان میدهد ولی اگر بخواهیم نتیجه بگیریم که حقیقتاً و فی الواقع اختلاف مهمی فیما بین وجود داشته راه خطا پیموده ایم - بعبارت دیگر نمیتوان گفت که حضرت

رسول ص کینه توز و نسبت به نسوان بدبین بوده اند و حال اینکه حضرت مسیح با گذشت و فقط او برای زنان شخصیتی قائل بوده است - زیرا با کمی دقت در احکام فقه بکنه مطلب پی برده می بینیم که با حفظ اصول اجتماعی در مرحله معنویت نیز اسلام چیزی کم از مسیحیت نداشته است.

مثلاً هر گاه قرآن حکم قصاص را مقرر داشته ضمناً اضافه کرده که در گذشت و بخشایش نوایی عظیم است به علاوه برای فهم موضوع و تشخیص روح ازدواج در اسلام بهتر است که بتاریخ بعثت حضرت رسول ص مراجعه و وضعیت زن عرب را در آن عصر مد نظر قرار دهیم - اعراب بقدری بزنان بدبین بودند که دختران خود را زنده بگور میکردند و لذا قائل اسلام ضمن اینکه با کمال احتیاط دست با اصلاحات تدریجی زد تاویحاً ایدآل خود را بمردم فهمانید و آنان را متوجه ساخت که تعدد زوجات یا طلاق مورد تنفر اوست منتهی بجای اینکه مانند حضرت مسیح صریحاً مقرر دارد که بیش از یکزن نبرید یا حق ندارید زن خود را طلاق بدهید از بیم غیر قابل اجرا ماندن چنین حکمی در آن عصر اعلام فرمود که میتوانید بیش از یک زن ببرید و حق دارید آنها را طلاق بدهید ولی بهتر است سعی کنید زیادتر از یک زن نداشته باشید و در موارد اختلاف هم در اصلاح ذات البین بکوشید از طرف دیگر در اسلام هم جنبه مقدس نکاح ملحوظ بوده و بهمین جهت مقرر گردید زن و شوهر باید موقع نزدیکی فقط بفکر خدا باشند.

بالجمله حضرت مسیح که قبل از هر چیز پیغمبر خدا بوده و بیش از پیش به ایدآل و غایت مطلوب توجه داشته مقررات صرفاً اخلاقی و معنوی وضع کرده اعتنائی هم به امکان اجراء کامل آن نداشته است.

ولی حضرت رسول ص که بیش از پیش قانونگذار عالیمقامی بوده و جنبه عملی امور و مصالح اجتماعی را در نظر میگرفته منحصرأ بوضع مقررات قابل اجرا پرداخته

است - بنابراین چه در مذهب اسلام و چه در مذهب مسیح ایده آل يك زن داشتن و پایداری روابط زناشویی است منتهی اولی این امر را صریحاً و مستقیماً بیان داشته ولی دومی من غیر مستقیم همین معنی را تذکر داده است .

یکی دیگر از اختلافات بین حقوق ایران و حقوق فرانسه در مورد نکاح موضوع روابط جنسی بین زوجین است و این امر در موارد متعددی از قانون مدنی ایران مورد بحث و اشاره واقع شده بطوریکه انسان تصور میکند مقصود واقعی از نکاح همانا نزدیکی است ولی بالعکس در قانون فرانسه از بحث صریح در این موضوع خودداری گردیده و در هر حال سعی شده که تصور نرود غرض اصلی از نکاح روابط جنسی است .

این اختلاف ظم مدیون اختلافات مذهبی است .

در اسلام روابط جنسی از لحاظ تمتعی که از آن حاصل است مورد توجه قرار گرفته ولی در مذهب مسیح روابط جنسی از لحاظ نتایج آن (توالد و تناسل) مورد نظر است - در اینجا هم اگر احکام حقوقی را کنار بگذاریم اختلاف بین دو مذهب کمتر محسوس خواهد بود زیرا در واقع هم در مذهب اسلام و هم در مذهب مسیح امر ازدواج از لحاظ توالد و تناسل اهمیت خاصی داشته و به همین جهت در اسلام یکی از شرایط چهارگانه‌ای که برای زن قائل شده اند استعداد بچه آوردن است .

و اما چون قانونگذار ایران اهمیت خاصی برای روابط جنسی و مهر قائل شده سبب گردیده که نکاح صورت خاصی بخود بگیرد بطوریکه در عین حال عمل شهوانی و عمل مادی تلقی شود .

البته موضوع روابط جنسی و امور مادی در قانون مدنی فرانسه هم ملاحظه میشود منتهی بسا صراحت کمتری زیرا امور مادی بموجب قرارداد جداگانه Contrat de mariage و خارج از عقد نکاح نزد سردفتر رسمی تنظیم میشود . و

حال آنکه ثبت ازدواج از صلاحیت مأمور ثبت احوال است - بعلاوه در هیچیک از مواد قانون مدنی فرانسه ارتباط محسوس بین امور مالی و روابط جنسی ملاحظه نمیگردد.

مع الوصف اگر این موضوع را از لحاظ عمل مورد توجه قرار دهیم اختلاف فاحش بالا تقریباً از بین میرود زیرا در ایران مهر یکی از ارکان اساس پایداری روابط زناشویی گردیده است - امروزه وعده مرد بزن نسبت به پرداخت مهر برای خریداری زن و یا صرفاً بقصد استمتاع از او نیست بلکه برای اینستکه زن بآئینه خود وثبات روابط آینده مطمئن گردد.

مضافاً باینکه در کشور فرانسه هم امور مادی عملاً در مورد نکاح محل نظر است و چه بسا قرارداد نامزدی که بر اثر اختلافات مالی بهم خورده است. اجمالاً میتوان گفت که در هر دو کشور ازدواج جنبه مالی هم دارد منتهی در ایران بیشتر باین امر توجه دارند که شوهر چه مبلغی هدیه میکند ولی در فرانسه توجه عطف به اینست که زن چه اموالی میآورد.

بنا بر مراتب مرقوم از لحاظ معنوی و غایت مقصود روح ازدواج در ایران و فرانسه بهم نزدیک است زیرا در زمینه معنویات مذهب اسلام و مسیح در واقع اختلافات فاحشی باهم ندارند منتهی در مذهب مسیح معنویات مزبور بصورت مقررات و احکام صریحی در آمده و حال اینکه در مذهب اسلام کلیه احکام طبق مقتضیات اجتماعی مقرر شده و ضمناً متکی به معنویات میباشد و بهمین جهت ظاهراً احکام این دو باهم متفاوت است و حقوق فرانسه و حقوق ایران هم در حدودی که از احکام مذهبی پیروی کرده اند بایکدیگر اختلاف دارند.

معیناً مقتضیات اجتماعی تدریجاً تغییراتی پیش آورده و قوانین مربوط با ازدواج را در هر دو کشور عملاً بهم نزدیک کرده یعنی اشکال طلاق در فرانسه در عمل خیلی

کمتر از آنست که در قانون مشاهده میشود و سهولت طلاق در ایران حقیقتاً خیلی کمتر از آنست که قانون نشان میدهد. بطوریکه میتوان گفت نکاح برای هر دو ملت غربی و شرقی دارای روحی واحد است - زن و مرد ایرانی و فرانسوی پس از ازدواج تحت تأثیر عوامل سیاسی و اقتصادی و اجتماعی زندگی خود را ادامه داده و در تربیت فرزندان مشترک میکوشند و در این امر چندان توجهی به حقوق و امتیازات قانونی خود ندارند زیرا میدانند اساس اجتماع فئلی بر پایه خانواده استوار و سنگ اساسی این عمارت را ابوبن بنا می‌نهند و اینها در صورتی میتوانند بوظائف مهمه خود قیام نمایند که ازدواج برای آنها عبارت از وسیله ثابت و دائم تولد و تناسل و تربیت اولاد باشد نه وسیله عوقت و زودگذر شهوترانی و استمتاع.

دکتر دادوند

بفتم آقای دکتر ملک اشعریلی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

## مسئولیت جزائی

یکی از وسائل مؤثری که برای مبارزه با جرائم اطفال بکار برده میشود توجه بکانون خانواده است و در شماره قبل ضمن بحث راجع بموضوع فوق قوانین ایران را راجع بقیمومت و نگاهداری اطفال که مستقیماً تأثیر در جرائم اطفال دارد از نظر گذراننده و مطالب بحجر ولی قهری رسید که در صورت حجر و یا موقعیکه ولی قهری ممنوع از تصرف در اموال طفل شد مدعی العموم بموجب قانون تکلیف و وظیفه دارد